

## زنان، تجدد، و بهداشت نوین در آستانه تشکیل دولت مدرن بررسی رویکرد مجله عالم نسوان به بهداشت زنان

بهاره صفائیان\*

توران طولابی\*\*

### چکیده

یکی از ره‌آوردهای تجدد در فرهنگ بهداشت و پزشکی در ایران ارائه خوانشی ناسوتی از بهداشت و تلاش برای درمان بیماری از همان رهگذر بود. به سبب مرگ‌ومیر مادر و کودک، به منزله یکی از دلایل کاهش جمعیت، بهداشت زنان در عصر قاجار در کانون توجه قرار گرفت. با انتشار روزنامه‌هایی از سوی زنان در اواخر دوره قاجار، زنان روزنامه‌نگار به موضوع بهداشت توجه کردند. هدف از پژوهش حاضر واکاوی مجله عالم نسوان (۱۲۹۹-۱۳۱۱) بر محور موضوع بهداشت زنان و براساس الگویی توصیفی-تحلیلی است. براساس نتایج پژوهش، حجم بسیار زیادی از مقالات مرتبط با بهداشت زنان در این مجله بیان‌گر نوعی تحول نگرش از ناآگاهی به تنانگی زن به ضرورت بسط مفهوم آن با توسل به پزشکی مدرن است. نویسندگان مجله، با تأکید بر اهمیت پیش‌گیری از بیماری و درمان آن، ضرورت جای‌گزینی پزشکی نوین با طبابت سنتی، نقد خرافه‌گرایی، و بسط عقل‌گرایی و پزشکی نوین، با الهام از تجارب کشورهای غربی، برای ارتقای سطح آگاهی بهداشتی زنان گام برداشتند. از این منظر، عالم نسوان را می‌توان نماینده تفکری دانست که در صدد رخنه‌کردن در ساختار و گزاره‌های سنتی مسلط بر نگرش به زن بود و می‌کوشید افق نوینی بگشاید که در آن زنان درباره بهداشت دانش و آگاهی بیش‌تری یابند.

**کلیدواژه‌ها:** بهداشت، پزشکی، تجدد، روزنامه‌نگاری، عالم نسوان.

\* دانشجوی کارشناسی ارشد، تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه لرستان، bahareh.safaiean@gmail.com

\*\* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول)، toolabi.t@lu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵

## ۱. مقدمه

در همان هنگام که ستاره عمر دولت قاجار روی در افول نهاده بود، روزنامه‌نگاری زنان در ایران نخستین مراحل تکوین خود را می‌پیمود. روزنامه‌نگاری ابزاری فراروی زنان نهاد تا از جهان اندرونی به درآیند و به‌سوی تحقق نیازهایی جدید گام بردارند که هم‌چون بهداشت، بیماری‌شناسی، و تنانگی<sup>۱</sup> پیام‌آور تحولی گفتمانی در حوزه فرهنگ اجتماعی بود. این زنان، که عمدتاً از طیف تجددگرای جامعه بودند، با انتشار روزنامه، در جهت گذار از نگرش سنتی به مقوله بیماری و بهداشت به نگرشی گام برداشتند که بر شناخت بدن، بیماری‌های زنان، و پیش‌گیری از آن‌ها تأکید داشت. در این میان، طیفی از زنان با انتشار روزنامه‌هایی مانند *دانش* و *شکوفه* بخت خویش را برای ورود به عرصه روزنامه‌نگاری و طرح مباحث و نگاه‌های جدید در حوزه آموزش و بهداشت آزمودند. موضوع پژوهش حاضر بهداشت زنان است؛ این موضوع با تکیه بر مقالات نشریه *عالم نسوان* واکاوی می‌شود. پرسش محوری آن عبارت است از این‌که محتوای مجله *عالم نسوان* تا چه اندازه می‌تواند ما را به درک تحول نگرش زنان به مقوله بهداشت و پزشکی در ایران اواخر عهد قاجار رهنمون شود. انتخاب نشریه *عالم نسوان* برای این پژوهش هم از منظر نمایندگی نگرشی زنانه به موضوعات و مسائل اجتماعی و فرهنگی و هم به‌واسطه مقطع چاپ این روزنامه، یعنی پایان دوره قاجار و آغاز دوره پهلوی اول، موجه به نظر می‌رسد.

موضوع این پژوهش تاکنون توجه دو گروه از محققان را برانگیخته است:<sup>۲</sup> گروه نخست مقوله روزنامه‌نگاری زنان را از زاویه‌ای کلی بررسی کرده‌اند (بیران ۱۳۸۱؛ صدر هاشمی ۱۳۶۴؛ ذاکر حسین ۱۳۷۵). با وجود این، مجله *عالم نسوان* به‌طور مستقل موضوع هیچ‌یک از این پژوهش‌ها نبوده است؛ دوم، پژوهش‌گرانی که به موضوع بهداشت زنان در اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی اول پرداخته‌اند. در نوشته‌های این گروه از محققان نیز عمدتاً رویکرد سیاسی بر رویکرد فرهنگی و بهداشتی سایه افکنده است. این نگرش در سال‌های اخیر با جلوه‌گری پژوهش‌هایی با محوریت مسائل خرد و نه کلان‌تغییراتی را تجربه کرده است. در این میان، کتاب و مقاله‌هایی (کریمی ۱۳۸۹: ۶۸۱-۶۹۱؛ ۱۳۹۲: ۱۴۱-۱۶۱؛ نیز آقاجری و همکاران ۱۳۹۰: ۱-۲۸) با نگرشی واکاوانه، دقیق، و روش‌مند الگویی مناسب را پیش رو قرار داده و در میان پژوهش‌های فارسی جایگاه ممتازی را برای خود رقم زده است. جز این، رساله دکتری آفرین توکلی و نیز مقاله‌ای از او (رحمانیان و توکلی ۱۳۸۹: ۶۱-۷۶) وجه دیگری از گفتمان پزشکی عصر پهلوی را پوشش داده است. البته، در زمینه

بیماری‌های عمومی پژوهش‌هایی انجام شده است که عمدتاً به معرفی اقدامات دولت مرکزی برای مقابله با بیماری‌های عمومی به نگارش درآمده‌اند.<sup>۳</sup> وانگهی، رویکرد متجددانه زنان در روزنامه‌ها موضوع چند پژوهش بوده است که در کنار شماری از روزنامه‌های زنان *عالم نسوان* نیز بررسی شده است.<sup>۴</sup> اما در میان پژوهش‌های غیرفارسی بی‌شک فیروزه کاشانی ثابت (Kashani-Sabet 2000: 1171-1203; Kashani-Sabet 2006: 1-29) جایگاه ویژه‌ای دارد.

وجه تمایز پژوهش حاضر با تحقیقات یادشده این است که در این پژوهش کوشیده شده، ضمن تمرکز بر نشریه *عالم نسوان*، که خود برگی از تاریخ روزنامه‌نگاری زنان ایرانی در دوره معاصر است، تحولی گفتمانی در نگرش زنان به مقوله بهداشت و پزشکی نشان داده شود. افزون‌براین، در پژوهش حاضر، که به روش توصیفی - تحلیلی است، کوشش شده تا مقوله‌هایی مثل تکاپوی روزنامه‌نگاران زن (به‌صورت مشخص نویسندگان *عالم نسوان*) برای ارتقای آگاهی زنان درباره بهداشت، ستیز با خرافه‌گرایی، تغییر مفهوم قابلیت‌ها به پرستاری، و ضرورت توجه دولت در سطح قانون‌گذاری به ازدواج و بهداشت واکاوی شود.

## ۲. زنان و درک از پزشکی نوین در عرصه روزنامه‌نگاری

روند گذار دانش پزشکی در اروپا از گفتمان مبتنی بر طب جالینوسی به پزشکی نوین از قرن شانزدهم میلادی آغاز شد و در سده نوزدهم جلوه آشکارتری یافت. از زمانی که در اروپا علوم چون کیهان‌شناسی از سیطره اندیشه یونانی و نیز دستگاه الهیات کلیسایی بیرون آمد، راهی نیز برای عبور دانش پزشکی از چنبره طب جالینوسی هموار شد (Magner 2005: 198-250). در ایران، تجربه گذار از طب سنتی و مواجهه با مفهومی متجدد از پزشکی و بهداشت در دوره قاجار رقم خورد. تجدد هم‌زاد انقلاب علمی بود که در سایه آن خرد ناسوتی، فردی، و نسبی انسان جای خرد «مطلق و بی‌کران ملکوتی» را می‌گرفت (میلانی ۱۳۷۸: ۱۰). از این‌رو، در ایران اگرچه هم‌چون غرب زمینه‌ای برای تجلی انقلاب علمی فراهم نبود، دست‌کم جلوه‌هایی از تلاش برای بروز آن عیان شد.

از همان هنگام که نخستین «کاروان معرفت» در جمادی‌الثانی ۱۲۳۰/ آوریل ۱۸۱۵ راهی اروپا شد و از جمله اهداف اصلی ارسال آن یکی نیز یادگیری و انتقال دانش جدید پزشکی بود، مواجهه جدی طب سنتی ایران با پزشکی نو آغاز شده بود. هرچند این نخستین کاروان

معرفت دست‌کم در حوزه پزشکی دستاورد معینی نداشت (بنگرید به محبوبی اردکانی ۱۳۷۰: ج ۱، ۱۲۴-۱۳۰؛ نوایی ۱۳۷۷: ج ۲، ۲۵۲-۲۵۸)، رواج تدریجی آموزش به سبک غربی، به‌ویژه در میان طیفی از اشراف، شاه‌زادگان، و اقلیت‌های دینی، تأسیس نهادهای آموزشی جدید و در رأس آن‌ها دارالفنون و نیز ظهور بیمارستان‌های جدید، زمینه‌چیرگی گفتمان پزشکی نوین بر طب سنتی را فراهم کرد (بنگرید به محبوبی اردکانی ۱۳۷۰: ج ۱، ۲۵۳-۲۸۳؛ ناطق ۱۳۷۵: ۱۵۳-۲۰۸؛ Ebrahimi 2014: 49-120).<sup>۵</sup> آموزش علوم جدید، از جمله پزشکی مدرن، در صدر برنامه‌های نوسازی دولت قاجار قرار گرفت و در دوره صدارت امیرکبیر تلاش‌هایی هم‌چون تأسیس «مریض‌خانه دولتی»، قرار «تصدیق اطبا»، و «قانون آبله‌کوبی» برای بهبود بهداشت عمومی و فردی صورت گرفت تا گسست از جهان طب سنتی وجوه عینی داشته باشد (آدمیت ۱۳۷۸: ۳۳۲-۳۴۴).

ضرورت تأسیس بیمارستان از آغاز شکل‌گیری روزنامه‌نگاری زنان موضوع مهمی به‌شمار می‌رفت. شکوفه ضرورت جمع‌آوری زنان «مجنون و کاشف‌العورت» را یکی از استدلال‌هایی برشمرده است که در پس ضرورت تأسیس بیمارستان است. هم‌چنین، «حجب و حیای» زنان در توضیح بیماری خود برای همه ایجاب می‌کرد که بیمارستانی تأسیس شود تا زنان با مراجعه به اطبا و پرستاران زن به درمان بیماری خود بپردازند (شکوفه ۱۳۳۳: س ۳، ش ۱۲، ۳-۴). از سوی دیگر، مرگ‌ومیر چشم‌گیر مادران و کودکان، که عامل مهم کاهش جمعیت در دوره قاجار بود، ضرورت توجه به مقوله بهداشت زنان را در کانون توجه قرار داد. مرگ‌ومیر و کاهش جمعیت، بیماری‌های واگیر چون وبا، طاعون، و تیفوس و قحطی، فقر، و موقعیت نابه‌سامان زنان و بارداری پرخطر آن‌ها پی‌آمد عواملی هم‌چون ضعف سیاست‌های بهداشتی بود. از این منظر، سلامت زنان می‌توانست کلیدی برای فهم جهت‌گیری‌های جمعیتی و افزایش طول عمر زنان و کودکان باشد. موضوع بهداشت و ضرورت تدوین سیاستی برای مدیریت جمعیت زمینه‌شکل‌گیری یک آگاهی و خواست جمعی را برای تغییر شرایط بهداشتی زنان فراهم کرد که از آن با نام «جنبش بهداشتی»<sup>۶</sup> یاد شده است (Kashani-Sabet 2006: 1-2, 7).

مواجهه با تجدد مسائل زنان را به‌مثابه یک بایسته مهم در کانون توجه برخی از کارگزاران سیاسی و نیز طیفی از نخبگان جامعه قرار داد. باین‌که جلوه‌هایی از حضور و فعالیت سیاسی و اجتماعی زنان در رخدادهایی چون جنبش تنباکو گزارش شده است، از انقلاب مشروطه زمینه حضور جدی زنان در عرصه اجتماعی فراهم شد. این حضور با

طرح مطالبات و مسائل نوی همراه بود که روزنامه‌ها یکی از تجلی‌گاه‌های آن بود. افزون‌بر موضوع زنان، که در این دوره بیش‌تر مدنظر قرار گرفت، اهمیت فرد و زندگی او موضوعی بود که تجدد به‌همراه آورد (میلانی ۱۳۷۸: ۶۲). موضوعیت‌یافتن زن و فردیت زنانه می‌توانست نقطه عزیمتی برای محوریت‌دادن به تنانگی زن و مسئله بهداشت و پزشکی مرتبط با آنان باشد.

در میان مسائل زنان ایرانی در دوره قاجار، زنان روزنامه‌نگار به دو مسئله جدی بیش‌تر توجه کردند: نخست، نبود یا کمبود امکانات بهداشتی هم‌چون بیمارستان، بهداشتی، و پزشکان آموزش‌دیده جدید؛ دوم، ناآگاهی در جامعه و آسیب‌هایی که از این زاویه جامعه زنانه را تهدید می‌کرد. مطبوعات زنان گام‌های معینی برای رفع این مسائل برداشت. مجله *عالم‌نسوان* یکی از این نشریات بود که در هر دو عرصه مقاله‌های زیادی در آن منتشر شد. این مجله در آخرین سال قرن سیزدهم هجری (۱۲۹۹ ق / ۱۹۲۰ م) در تهران به صاحب‌امتیازی نوبه صفوی و زیرنظر مجمع دانش‌آموختگان مدرسه عالی امریکایی منتشر شد (*عالم‌نسوان* ۱۲۹۹: س ۱، ش ۱، ۴-۱). نویسندگان *عالم‌نسوان* در شماره نخست، هدف از انتشار مجله خود را «تعاون در تعالی و ترقی نسوان و تشویق آنان به خدمت به خانواده و حسن اداره امور بیتی» بیان و تأکید کردند که این نشریه «ابتدا قصد انتشار اخبار سیاسی ندارد». مجله هر دو ماه یک بار چاپ می‌شد و مقرر شده بود که در هر نمره از آن مقالاتی به‌قلم «یکی از اطباء مشهور و مجرب دارالخلافة» و صرفاً به قصد چاپ در این مجله نگاشته شود. بدین ترتیب، گردانندگان مجله *عالم‌نسوان* کوشیدند تا با رویکردی غیرسیاسی به‌سراغ مسائل گوناگون، از جمله بهداشت زنان، برونند. بررسی واکاوانه این مجله حاکی از بروز عینی دو مشخصه برای آگاهی‌بخشی به جامعه زنانه است: نخست، حتی‌المقدور ارائه راه‌کارهایی برای پیش‌گیری از بیماری؛ دوم، آموزش چگونگی مقابله با بیماری و زدودن ذهنیت‌های سنتی هم‌چون خوددرمانی؛ و تأکید بر ضرورت داشتن آگاهی و مراجعه به پزشک حاذق.

### ۳. رویکرد *عالم‌نسوان* به مقوله بیماری‌های زنان

یکی از مسائلی که در روزنامه‌نگاری جدید بدان توجه شد بیماری‌های مقاربتی زنان بود. پیشینه آشنایی ایرانیان با بیماری‌های مقاربتی از جمله سیفیلیس به اوایل دوره صفویه می‌رسد. طبق گزارش پولاک، تلقی ایرانیان عصر قاجاری از سیفیلیس نه یک بیماری مسری و

خطرناک، بلکه بیماری عادی بود و بالطبع برای پیش‌گیری از آن تلاشی صورت نمی‌گرفت؛ امری که سبب شده بود دامنه شیوع بیماری به کودکان نیز برسد (پولاک ۱۳۶۸: ۴۷۷). ترجمه آثار غربی با محوریت بیماری‌های مقاربتی، به‌ویژه سیفیلیس، سبب شد تا این بیماری‌ها در کانون توجه قرار گیرد. ترجمه‌های ابوالحسن‌خان تفرشی و مطالب روزنامه نصری و مظفری در این زمینه آغاز تلاش‌هایی بود که این بیماری‌ها را در کانون توجه قرار داد (Kashani-Sabet 2006: 14, 17).

روزنامه‌نگاری بخشی از فعالیت‌هایی بود که زنان برای تعریف جایگاه حقوقی و اجتماعی خود در پیش گرفته بودند. این روزنامه‌ها باعث شدند تا بازاندیشی از زندگی زنان، تنانگی آنان، و ارتباط مستقیم آن با مسائل حقوقی و امکانات بهداشتی مطرح شود. در همین زمینه، زنان با مطالباتی چون ضرورت بسط پرستاری و مامایی به شیوه مدرن و با تکیه بر ضرورت اخذ تحصیلات برای این حوزه‌ها در این مطبوعات فعالیت خود را آغاز کردند.<sup>۷</sup>

نتیجه ناگزیر توجه به بهداشت زنان، به‌ویژه از دریچه بیماری‌های مقاربتی، این بود که این جنس نیز به کانون گفتمان بهداشتی وارد شد و سیاست رسمی نیز آن را در معرض توجه قرار داد. تأسیس بیمارستان، درمانگاه، زایشگاه، و مراکز مرتبط با تربیت ماما و جای‌گزینی آنان با قابله‌های سنتی جلوه‌هایی از این تغییر نگرش بود؛ نقش روزنامه‌های زنان در تبلیغ و ترویج ضرورت آن را نباید دست‌کم گرفت. طبعاً بهداشت نوین از جهات گوناگونی به تغییر کیفیت زندگی زنان منجر می‌شد. از یک‌سو، به طول عمر آنان بیفزاید و امید به زندگی را افزایش دهد و از سوی دیگر با تأکید بر ضرورت بهداشت زنان این امکان را فراهم آورد تا موضوع عموماً ممنوعی مانند ازدواج زنان به عرصه عمومی کشیده و نگرش‌های سنتی به آن نقد شود. یکی از مسائلی که آسیب ازدواج را از منظر بهداشتی می‌توانست کاهش دهد طرح مسئله سلامت و در کانون توجه قرار دادن آن برای امر ازدواج بود.

در دوره مشروطه و با تصویب قانون بلدییه زمینه‌ای ایجاد شد تا انجمن بلدییه درمانگاه‌هایی را در سطح تهران افتتاح کند که به بیماری‌هایی هم‌چون سیفیلیس نیز رسیدگی شود. گزارش‌ها حاکی از آن است که ۲۲۰ مورد از این بیماری در درمانگاه‌های سطح تهران معالجه شده است.<sup>۸</sup> بازتاب این موضوع را در مجله شکوفه نیز می‌بینیم (شکوفه ۱۳۳۳: س ۱، ش ۱۲، ۳). در مجله عالم‌نسون نیز تلاش شده است تا با معرفی این بیماری گامی برای آگاه‌سازی زنان برداشته شود. این موضوع به‌ویژه در خطاب به آن دسته از زنان مبتلا، که قصد فرزندآوری داشته باشند، اهمیت بیش‌تری می‌یابد. در همین زمینه، نویسندگان مجله به‌کرآت به والدین توصیه کرده‌اند که نخست از سلامت و

زنان، تجدد، و بهداشت نوین در آستانه تشکیل دولت مدرن؛ بررسی رویکرد مجله ... ۱۵۹

بهداشت و به صورت مشخص در مورد بیماری سیفیلیس مطمئن باشند و سپس به بارداری اقدام کنند (عالم نسوان ۱۲۹۹: س ۱، ش ۱، ۷-۹). نویسندگان مجله به این اکتفا نکرده و با نهادن گامی فراتر به والدین هشدار داده‌اند که پیش از موافقت با ازدواج دخترانشان از مبتلای نبودن مرد به بیماری سیفیلیس و سوزاک اطمینان حاصل کنند. پیش‌نهادی نیز که در مجله مطرح می‌شود مراجعه مردان به پزشک پیش از موافقت با ازدواج دختران است تا شاید بتوانند از میزان این خطر بکاهند (همان: س ۱، ش ۴، ۱۰-۱۲).<sup>۹</sup>

طبعاً آگاه کردن مخاطبان از پی‌آمدهای بیماری‌های مقاربتی نیازمند معرفی این بیماری‌ها بود. بدین منظور، در مقالاتی به معرفی علائم این بیماری‌ها، علل سرایت، و مراحل سه‌گانه آغاز، شیوع، و بروز آن از منظر علم پزشکی پرداخته شده است. وانگهی مجله، ضمن برشمردن علائم این بیماری در هریک از سه مرحله، به تأثیر آن در کودکان نیز اشاره کرده و نوشته است از هر صد کودک متولدشده از مادران مبتلا به سیفیلیس هفتاد نفر پیش از بلوغ از بین می‌رفتند. ضمن این‌که عمده کسانی که زنده هم می‌ماندند به بیماری‌های جدی گرفتار می‌شدند (همان: س ۱، ش ۲، ۷).<sup>۱۰</sup>

واکاوی مقالات مجله *عالم نسوان* بیان‌گر آن است که پیش‌گیری و درمان دو رویه رویکرد این مجله به بیماری‌های زنان است. معرفی داروی نئوسالوارسن (Neosalvarsan)، که برای مقابله با بیماری سیفیلیس کشف شده است، ناظر بر ضرورت توجه به موضوع درمان، آن هم با محوریت پزشکی مدرن، است. بر همین اساس، تجربه کشورهای اروپایی می‌تواند به این نگاه کمک کند تا محوریت درمان در وجه مدرن کلمه بیش‌تر آشکار شود. در یکی از مقالات به تجربه‌ای در شهر وین اشاره شده است که برای مراقبت از مادران مبتلا به امراض مقاربتی، به‌ویژه سیفیلیس، اقداماتی چون تجزیه خون آن‌ها، مراقبت‌های رایگان، و راه‌کارهایی برای مراقبت از مادر و فرزند، از جمله جلوگیری از انتقال بیماری به نوزادان، در پیش گرفته‌اند (همان: س ۱۰، ش ۵، ۲۳۸-۲۳۹).

تقاضا از نمایندگان مجلس برای تصویب قانونی برای ضرورت اخذ تصدیق سلامت و مبتلای نبودن به بیماری‌های مقاربتی پیش از ازدواج تلاشی بود ناظر به پیش‌گیری از سوی نویسندگان این مجله، که تأکید داشتند زنان مصائب بیماری‌هایی چون سیفیلیس و سوزاک را به‌دوش می‌کشند (همان: س ۱۲، ش ۵، ۱۹۶-۱۹۸). تجربه کشور ترکیه، که با ظهور مصطفی کمال آتاتورک در مسیر متفاوتی از تجدد قدم گذاشته بود، از دید نویسندگان این مجله مغفول نمانده است. در برخی شماره‌ها، اقدامات ترکیه در کنار کشورهای اروپایی به‌مثابه الگویی مطرح شده است که می‌تواند برای تحول نظام بهداشتی و حتی حقوقی

مرتبط با زنان مدنظر قرار گیرد. در یکی از شماره‌ها، به تصویب قانونی در ترکیه مبنی بر ضرورت اجرای معاینه پزشکی پیش از ازدواج اشاره شده است (همان: س ۶، ش ۶، ۲۷). چندین سال بعد، در آذر ۱۳۱۷، قانونی شش ماده‌ای مبنی بر ضرورت ارائه گواهی نامه سلامت از پزشک پیش از ازدواج به تصویب رسید (روستایی ۱۳۸۲: ج ۱، ۷۹-۸۰).

موضوع دیگری که در زمینه بهداشت زنان در مجله *عالم نسوان* بازتاب یافته بود سن ازدواج زنان بود. تا آن زمان ازدواج کودکان با مردهای مسن امر چندان غریبی نبود (کولیور رایس ۱۳۸۳: ۷۸). یکی از نویسندگان مجله، در مقاله‌ای با نام «مضرآت مزاجت در عهد صباوت»، از ازدواج دختران در سن پایین با عبارت «بزرگ‌ترین فجایع و فاحش‌ترین ظلم‌ها» یاد کرده که این موضوع حتی نقش مشخصی در عقب‌ماندن ایرانیان از «ملل متمدنه» داشته است. شرایط جسمی، ابتلا به بیماری‌های مختلف، نداشتن آزادی، و ازدست‌دادن اراده و استقلال از مسائلی است که، به‌باور نویسنده این مقاله، ازدواج زود هنگام را برای زنان در پی دارد. بنابراین، در مجله *عالم نسوان* بر سن شانزده یا هفده سال به‌منزله شرط ازدواج در قالب‌های متعدد تأکید شده است؛ امری که توجه به آن در دیگر روزنامه‌های زنان نیز قابل پی‌گیری است (*عالم نسوان* ۱۲۹۹: س ۳، ش ۶، ۶-۷؛ جمعیت *نسوان وطن‌خواه ایران* ۱۳۰۲: س ۱، ش ۱، ۱۷-۲۳). از این‌رو، یادآوری تجربه کشورهای دیگر در این زمینه می‌توانست نقش جدی در طرح این مسئله داشته باشد. در مقاله‌ای اقدام هند در تعیین سن قانونی هفده سال برای ازدواج در آن کشور «ترقی» تلقی شد که به‌نوعی می‌تواند آینه‌ای در برابر ایرانیان باشد (*عالم نسوان* ۱۲۹۹: س ۸، ش ۳، ۹۶). این‌گونه مقالات را می‌توان ناظر بر محوریت مسئله پیش‌گیری در نگرش نویسندگان آن مقالات دانست.

رویکرد مجله مبتنی بر پیش‌گیری درباره مادران باردار هم جلوه یافته است؛ براین‌اساس، در این مجله دستورهای بهداشتی - تغذیه‌ای برای سهولت زایمان از جمله ورزش، خواب کافی، مصرف آب و میوه، و پوشیدن لباس مناسب ارائه شده است. نویسندگان تأکید کرده‌اند که زنان باردار باید با مشاهده برخی علائم به پزشک مراجعه کنند. افزون‌براین، نویسندگان مکرر بر این موضوع تأکید می‌کنند که پزشک نیز باید از میان تحصیل‌کردگان جدید باشد. آن‌ها می‌کوشند زنان را آگاه و ترغیب کنند که به‌جای «پیرزن‌ها و خاله‌زن‌ها» به پزشک حاذق مراجعه کنند (همان: س ۷، ش ۱، ۴۰؛ همان: س ۲، ش ۵، ۵-۶).<sup>۱۱</sup>

اما این نکته را نباید نادیده گرفت که، باوجود اهمیت موضوع درمان در مجله، هم‌چنان این پیش‌گیری است که در کانون توجه نویسندگان این مجله قرار دارد. برهمین‌اساس، برخی نویسندگان از این دریچه به موضوع نگریده‌اند که، باوجود کشف دارو، پیش‌از



گرفتاری به بیماری باید مراقبت‌ها جدی گرفته شود و از آن غافل نماند. جز این‌که بحث درباره پیش‌گیری سطح آگاهی را نیز می‌توانست بالا ببرد، برای برخی بیماری‌ها، از جمله سوزاک، هم دارویی کشف نشده بود. از این‌رو، مبتلایان به این بیماری جز «تحمل دردهای شدید و نتایج آن» چاره‌ای نداشتند (همان: س ۱، ش ۴، ۱۰-۱۱). بدین ترتیب، در این مجله، تمرکز بر موضوع پیش‌گیری بیش‌تر نمایان است. نویسنده یکی از مقالات از این بیماری بهره می‌گیرد تا گریزی به سنت‌هایی بزند که در جامعه وقت رایج بود و آن دقت در ازدواج دختران است. طرفه این‌که نویسنده بر ضرورت توجه بیش‌تر والدین در «انتخاب شوهر برای دختران» تأکید کرده است؛ نکته‌ای که به‌هرحال بر حول محور پیش‌گیری می‌چرخید (همان: س ۱، ش ۲، ۸).<sup>۱۲</sup> اما واقعیت جامعه آن روزگار چیز دیگری بود. در جامعه آن روزگار شمار زنانی که با مسئله «انتخاب» نسبتی داشته باشند اندک بود. وانگهی، از میان آنان هم شمار کسانی که به بیماری‌های مقاربتی و ضرورت حفظ بهداشت در ازدواج آگاهی داشتند آن‌قدر نبود که بتوانند در ازدواج دخترانشان بر این نکته پافشاری کنند. از سوی دیگر، در صورت داشتن چنین درکی هم سطح بهداشت آن‌قدر مترقی و رشد یافته نبود که از جامعه مردانه توقع بهداشت در سطوح بالا را داشت. یعنی حتی اگر این سطح آگاهی در خانواده دختران وجود داشت، دشوار می‌شد در جامعه مردانی را یافت که بتوانند خواست این خانواده‌ها مبنی بر داشتن تصدیق‌نامه سلامت و بهداشت را برآورده کنند.

#### ۴. عوامل ذهنی بیماری: جهل و خرافه‌گرایی

ذهنیت غیرعلمی و باورهای خرافی بر حیات اجتماعی ایران عصر قاجاری سایه انداخته بود. این مسئله به‌واسطه عوامل گوناگون، که یکی از مهم‌ترین آن‌ها به‌حاشیه رانده شدن زنان بود، زندگی این بخش از جامعه را بیش‌تر متأثر کرده بود. هانری رنه دالمانی، سیاح فرنگی، خرافه‌گرایی را امر شایعی در میان ایرانیان عصر قاجاری می‌داند (دالمانی ۱۳۳۵: ۲۴۴). یکی از جلوه‌های تجدد تأکید بر نگرش‌های علمی و ستیز با خرافه‌گرایی بود. مواجهه علمی با مسائل و معضلات اجتماعی و جست‌وجوی علل زمینی برای آن‌ها دستاورد تجدد غربی بود که در ایران نیز توجه برخی اندیشه‌وران متجدد را برانگیخت (میلانی ۱۳۷۸: ۵۴). در این میان، آمیختگی زندگی زنان ایرانی عصر قاجاری با خرافات و اوهام موضوعی بود که از دید زنان روزنامه‌نگار دور نماند و آنان در مقاله‌های خویش کوشیدند این مسئله را واکاوی کنند. *عالم‌نسون* یکی از مجلاتی است که در این زمینه تلاش ویژه‌ای در آن به‌کار

گرفته شد؛ نویسندگان این نشریه آمیختگی اوهام و خرافات با موضوع بهداشت را در زندگی زنان به باد انتقاد گرفتند.

نویسنده یکی از مقالات از گسترش خرافات در میان زنان شهری در مقایسه با زنان روستا و ایلات ابراز نگرانی می‌کند و آن را یکی از «سرچشمه‌های بدبختی» می‌نامد. نویسنده مقاله به «کرامات قبور، مشایخ، پرستش درخت و سنگ، ساعات سعد و نحس، یا دعائویسی» ایراد گرفته و به نوعی به تأثیر آن در نگرش این زنان به بهداشت هم پرداخته است. چنین نگرشی سبب شده بود که زنان گاهی حتی تا زمان فرارسیدن «ساعات سعد» از انجام دادن امور بهداشتی، هم‌چون گرفتن ناخن و رفتن به حمام، نیز خودداری کنند (عالم نسوان: ۱۲۹۹: س ۱، ش ۲، ۲۳، ۲۵؛ همان: ش ۳، ۳۵-۳۷). نویسنده در پایان، این پرسش را طرح می‌کند که با چنین زنانی چگونه می‌توان متوقع بود مسیر «تمدن» طی شود؟ به داوری وی، با چنین وضعیتی، ضروری بود که وزارت علوم و معارف با گسترش سواد در آگاهی‌بخشی این زنان گام بردارد (همان: س ۲، ش ۲، ۳۸-۴۰).

البته، این موضوع امر رایجی در جامعه عصر قاجاری بود و والدین، به واسطه ناآگاهی، بیماری کودکان را به «چشم شور» نسبت می‌دادند و طبیعتاً، به جای درمان، به ازبین بردن «طلسم» متوسل می‌شدند (فلور ۱۳۸۶: ۱۲۵). این موضوع به‌حدی در فرهنگ نفوذ کرده بود که برخی روزنامه‌نگاران فقدان «حفظ‌الصحة» را به جهل و نادانی و عناد و خرافات و تعصب در خرافات پرستی و نقش محوری آن نسبت داده‌اند (جمعیت نسوان وطن‌خواه/ایران ۱۳۰۲: س ۱، ش ۱، ۱۵). گزارش‌هایی وجود دارد که زنان از آبله‌کوبی فرزندانشان نیز به دلیل پای‌بندی به برخی اعتقادات خودداری می‌کردند. برای نمونه، گفته شده برخی زنان مرگ‌ومیر نزدیکان خود را به این اقدام نسبت می‌دادند. از این رو، از آن خودداری می‌کردند یا با تردید به سراغ آن می‌رفتند (شکوفه ۱۳۳۳: س ۳، ش ۴، ۱-۲). البته، ناگفته نماند، جز خرافه‌گرایی، عواملی چون دسترسی نداشتن به پزشک، استیصال خانواده‌ها، یا ناآگاهی از اصول بهداشتی در توسل به تقدیر و طلسم تأثیرگذار بود (حاتمی ۱۳۹۵: ۱۰۵-۱۰۶).

بنابراین، از دیگر مجراهایی که نویسندگان مجله به جهل و ناآگاهی زنان می‌شورند بی‌اعتمادی زنان به داروهای غربی و در نتیجه متوسل شدن آنان به اطبای خانگی است. برخی زنان بر این باور بودند که پس از بیماری نباید تا چند روز به طبیب مراجعه کرد یا اصولاً باید در منزل به معالجه بیماری پرداخت (شکوفه ۱۳۳۳: س ۳، ش ۶، ۱-۲). همین موضوع سبب شده بود تا مراجعه به پزشکان جدید کم‌تر شود و این راه‌کاری نداشت جز

زنان، تجدد، و بهداشت نوین در آستانه تشکیل دولت مدرن؛ بررسی رویکرد مجله ... ۱۶۳

تلاش برای نشر «تعلیم عمومی و علم و معرفت» (عالم نسوان ۱۲۹۹: س ۴، ش ۱، ۱۲-۱۵). قاعدتاً وقتی بیگانگی با غربی‌ها زیاد نباشد، می‌شود از پیشرفت‌های پزشکی آن‌ها بیش‌تر بهره‌مند شد. از این‌رو، نویسندگان مجله تلاش می‌کنند تا گزارش‌هایی از پیشرفت‌های علم پزشکی درباره زنان و بیماری‌های زنانه ارائه دهند تا این پزشکی مدرن و دستاوردهای آن در کانون توجه قرار گیرد (همان: س ۶، ش ۲، ۱۰). برای نمونه، در یکی از شماره‌ها به دستاوردهای علم پزشکی در عمل جراحی برای وضع حمل زنان در غرب اشاره شده است تا برخی زنان که دچار مشکل جدی جسمی‌اند از آن روش برای فرزندآوری استفاده کنند. نویسنده توضیح داده است که چگونه با استفاده از این روش وضع حمل زنان تسهیل می‌شود. از این‌رو، پزشکی نوین باید جای‌گزین طبابت سنتی و ذهنیت‌هایی شود که با پزشکی مدرن میانه‌ای ندارند و صرفاً بر خرافات دامن می‌زنند (همان: س ۹، ش ۲، ۷۶).

میزان بسیار زیاد مرگ‌ومیر مادر و کودک زمینه توجه بیش‌تر به مقوله زایمان و رعایت مراتب بهداشتی و پزشکی را در کانون توجه قرار داد. از یک‌سو، رویکرد نویسندگان این مجله عرضه مطالعات و دستاوردهای پزشکی مدرن بود؛ از سوی دیگر، تلاش می‌شد تا قابله‌های سنتی و «خرافات و موهومات» تنیده در عملکرد آن‌ها به‌نقد کشیده شود. موضوع زایمان زنان و دوره بارداری آن‌ها در روزنامه شکوفه، از نخستین روزنامه‌های زنان، هم در کانون توجه قرار گرفت و در آن به شرایط زنان ایرانی در آن دوره پرداخته شد (شکوفه ۱۳۳۳: س ۳، ش ۴، ۲). نویسندگان در مجله عالم نسوان به‌کرات خاطر نشان کرده‌اند که قابله‌ها در حین وضع حمل زنان باردار بهداشت و نظافت را رعایت نمی‌کنند، بنابراین، نویسندگان از همین دریچه به نکوهش آن‌ها پرداخته‌اند. از دید آنان، ماجرا وقتی شیوه ناخوشایندتری به خود می‌گیرد که علائم خطرناکی چون افزایش تب زنان در حال زایمان به وجود جن نسبت داده می‌شود (عالم نسوان ۱۲۹۹: س ۴، ش ۶، ۹-۱۵). حتی در یکی از شماره‌ها نویسنده‌ای ضرورت «ورود به تجدد» برای مبارزه با خرافات و موهومات را بیان کرده است؛ زیرا زنان اگر باورمند به موهومات و خرافات باشند، این باورها را به فرزندان خود نیز منتقل می‌کنند. این مادران از «غول بیابانی» و «دیو شاخ‌دار» برای فرزندان خود سخن می‌گویند؛ این نشانه‌ای از «بربریت» به‌شمار می‌رود و علت آن «فقدان علم و معرفت» است. نویسنده در نهایت چنین نتیجه می‌گیرد که برای مبارزه با این وضعیت باید با «جنبش اخلاقی، علمی، و ادبی» پیش‌رفت (عالم نسوان، س ۴، ش ۶، ۲۵-۲۷). در مقاله دیگری نویسنده، با یادآوری اقداماتی چون «تأسیس مریض‌خانه مجانی» و پرستاری از بیماران و مخترعانی چون ماری کوری در میان زنان اروپایی، به وضعیت زنان، که انباشته

با موهومات و خرافات است، تأسف خورده است؛ این که زنان به دنبال اموری چون فال گیری، قاشق زنی، و آینه بینی رفته اند. وقتی زنان «طیبیان خانگی» را در درمان بیماری فرزندان خود در اولویت قرار می دهند، یعنی فاصله زیادی میان نگرش زنان و آشتی آنان با پزشکی مدرن وجود دارد. بد نیست بخشی از این مقاله را برای روشن تر شدن موضوع نقل کنیم: «زنان ایران باید بدانند که این کارها جز مزخرفات چیزی بیش نیست و باعث عقب ماندگی ما از مردان و زنان جهان گشته است» (همان: س ۵، ش ۶، ۳۶-۳۸).

به باور نویسندگان این مقالات، میزان زیاد مرگ و میر مادر و کودک در ایران در مقایسه با کشورهای دیگر، از جمله امریکا، تسلط جهل و خرافات بر اذهان زنان را آشکار می کند. مادرانی که بیماری فرزندان خود را، به جای مراجعه به پزشک، با دلایلی چون چشم زخم توجیه می کنند علت اصلی رواج خرافات اند؛ بنابراین، باید از طریق آموزش به آنان آگاهی بخشید (همان: س ۳، ش ۶، ۷-۹). به باور نویسندگان، جز خرافات و جهل، مراجعه به «قابله های ناآگاه و بی سواد» از دیگر علل مرگ و میر مادر و نوزاد در ایران در مقایسه با اروپا و امریکاست. از این رو، باید کوشید، افزون بر رفع این مسئله، برای افزایش مراقبت های بهداشتی پیش و پس از زایمان گام جدی برداشت؛ در حالی که در کشورهایی چون امریکا «مریض خانه مخصوص زنان» تأسیس شده است که قاعدتاً درخور قیاس با روند نامطلوب رایج در ایران، یعنی سنت مراجعه به قابله های «ناآگاه»، نیست (همان: س ۷، ش ۳، ۷۲-۷۳). در مقاله دیگری، نویسنده ای، ضمن اشاره به وضعیت مطلوب فعالیت های زنان امریکا و کاهش مرگ و میر مادر و کودک، نوشته است: «ثابت شده که قریب نصف مرگ مادران در موقع وضع حمل به دلیل رعایت نکردن نظافت و ورود میکروب در خون بوده که دلیل اصلی آن عدم مراعات نظافت قابله ها در موقع وضع حمل است» (همان: س ۷، ش ۶، ۲۰۱-۲۰۵).

البته، نکته ای که نباید از آن غافل بود این است که درباره تسلط و نفوذ پزشکانی که در دوره پهلوی آموزش غربی دیده بودند نباید اغراق کرد. اما این مسئله را نیز نباید نادیده گرفت که به هر حال پزشکی به سبک و سیاق غربی در ایران پیش رفت کرده و عرصه را به هم تیان سنتی خود، هم چون قابله ها، تنگ کرده و مشروعیت بی هموردی برای خود رقم زده بود (Kashani-Sabet 2006: 3, 8). با وجود این، طبیبان سنتی هم چنان در ایران نفوذ داشتند و طیفی از زنان برای امور طبابت به آنان مراجعه می کردند.

## ۵. ضرورت مراقبت از بهداشت زنان و نهادهای مسئول

حال با مسائل یادشده در جامعه زنانه راه کار چیست؟ گذار از خواسته های روزنامه نگاران

زنان، تجدد، و بهداشت نوین در آستانه تشکیل دولت مدرن؛ بررسی رویکرد مجله ... ۱۶۵

زن به قوانین مصوبه یا تأکید بر جدیت بیش تر دولت برای تأسیس مراکز پزشکی از دیگر رویکردهای این مجله است. نویسندگان این مجله، در قالب مقالات، تلاش کردند توجه نهادهای مسئول را به بسط امکانات پزشکی جلب کنند. بر همین اساس، افزون بر نهاد خانواده، که نقش جدی در بهداشت دختران دارد، مدرسه نیز مسئول این مهم است. ورزش مناسب، خواب کافی، لباس مناسب، غذای مقوی، و استفاده از قرص آهن از جمله مسائلی است که مجله بر لزوم رعایت آن تأکید کرده است و خانواده و مدرسه این مسائل را باید جدی بگیرند (عالم نسوان ۱۳۹۹: س ۱، ش ۱، ۳-۵).

اگرچه فرانسه نخستین کشوری بود که عملکرد نظام بهداشتی آن به مثابه الگویی در ایران برای تحول و نوسازی نظام سلامت مطرح شد (کریمی ۱۳۸۹: ۶۸۷-۶۸۸)، در این مجله عمدتاً نظام بهداشت امریکاست که نویسندگان از تجربه‌های آن سخن می‌گویند. نویسنده یکی از مقالات، در فهرستی با ذکر نام «مجمع کلوپ زنان» امریکا به اقدامات زنان برای تصویب قوانینی در مجلس برای بهبود وضعیت زنان اشاره کرده و این قانون را این‌گونه توضیح داده است: «حفظ‌الصحة و صحت ازدواج و تسهیل و تأمین وسایل طبی برای وضع حمل زنان که ضامن سلامتی مادران و کودکان می‌باشند» (عالم نسوان ۱۳۹۹: س ۷، ش ۶، ۲۰۱-۲۰۵).

نویسنده، مفصل، به اقدامات این کلوپ از جمله تلاش برای کاهش شمار قابله‌ها و جای‌گزینی آن‌ها با پرستاران تحصیل‌کرده، ارائه آموزش‌هایی جهت «تعلیم صحت ازدواج و پرستاری اطفال» یا گنجاندن «کلاس مادران آتیه» در برنامه درسی پرداخته است (همان).

مجله *عالم نسوان* در آخرین سال‌های دولت قاجاری پاگرفت و در دهه اول دولت رضاشاه ادامه یافت. در این فاصله و در سایه برخی نوسازی‌های پهلوی، برخی اقدامات صورت گرفته بود و گردانندگان مجله، ضمن گوشه چشمی به آن، دستاوردهای حقوقی دیگر را خواهان بودند. مجله به برخی اقدامات «معارفی و حفظ‌الصحة عمومی» از جمله ضرورت داشتن اجازه‌نامه برای پزشکان و داروسازان، تأسیس مریض‌خانه‌های جدید، و احصای مردگان از سوی اداره سجل احوال اشاره کرده است. اما در مجله تأکید شده است که باید سطح مطالبات را گسترش و مسائلی هم‌چون قابلیت را تسری داد. از این رو، دولت باید برای جلوگیری از افزایش آمار مرگ‌ومیر و حفظ نفوس این امر را در حیطة نظارت خود قرار دهد. به همین جهت، رجوع به قابله‌های «بی‌علم» باید «محو و نابود» شود. به زعم آن‌ها، قرار نیست «هر پیرزن ژنده‌پوش و آواره‌ای که به درد کار دیگر نخورد» مشغول

قابلیت شود، زیرا این گونه زنان نه از بیماری‌ها آگاهی دارند و نه از داروهای ضد عفونی استفاده می‌کنند. به‌رحال، ایران نیز باید هم‌چون «دیگر کشورهای متجدد»، مثل اتریش، اجازه فعالیت بدون تصدیق‌نامه را به آن‌ها ندهد. این قابله‌ها باید پس از پشت‌سرگذاشتن تحصیلات کافی و آشنایی با «قواعد حفظ‌الصحه» اجازه کار پیدا کنند (همان: س ۱۰، ش ۶، ۲۸۴-۲۸۶). به‌باور این نویسندگان، وقتی در کشور اخباری درباره مرگ مادر و کودک به‌واسطه قابله‌های ناآگاه به‌گوش می‌رسد چگونه می‌شود به این وضعیت در سطح برنامه‌ریزی دولتی توجه نکرد؛ امری که بدان در روزنامه‌های دیگر هم‌چون *اطلاعات* نیز توجه شد. در این روزنامه بیان شد که دولت موظف است به وضعیتی که در آن قابله‌های ناآگاه مرگ مادر و کودک را رقم می‌زند رسیدگی کند (*اطلاعات*، س ۴، ش ۹۳۵).

باوجود تلاش نویسندگان مجله برای ارتقای نگرش و سطح آگاهی جامعه زنان درباره بهداشت و پزشکی مدرن، واکاوی این مقاله‌ها بیان‌گر این است که رویکرد مجله گاهی سطح بسیار ناچیزی از زنان جامعه را دربر می‌گیرد. مثلاً، در مقالات متعدد این مجله توصیه‌هایی به زنان شده که تحقق این توصیه‌ها، افزون بر آگاهی، سطح بالایی از رفاه و آسایش را می‌طلبید که در جامعه زنان عصر و وجه هژمونیکي نداشت. توصیه‌هایی مبنی بر ضرورت شاداب‌بودن در طی روز، داشتن تبسمی شیرین در صبح، بهداشت دندان، خوردن صبحانه با آرامش، ده دقیقه نفس عمیق کشیدن در هر صبح، مستقیم نشستن در پشت میز مدرسه یا اداره، استفاده از حوله، صابون، و سایر لوازم شخصی بیش‌ازاین‌که کل جامعه زنان را دربر بگیرد، سطح نازکی از آن را شامل می‌شود (*عالم نسوان* ۱۲۹۹: س ۹، ش ۶، ۲۹۴-۲۹۵). جالب این است که در روزنامه شکوفه نیز به بهداشت فردی زنان و دختران تأکید شده است. اما در برخی مقاله‌ها، به‌منظور تأکید بر اهمیت بهداشت، به آموزه‌های دینی و توجه پیامبر به این مقوله پرداخته شده است (*شکوفه* ۱۳۳۳: س ۳، ش ۴، ۴).

زن محبوب مجله و توصیه‌های بهداشت فردی که او باید رعایت کند جلوه‌ای از همین رویکرد مجله است. در یکی از مقالات، ضمن تأکید بر استحمام به‌موقع و رعایت بهداشت ناخن، دهان، و دست و پا، به تغییرات زمانه اشاره شده و چنین آمده است:

با زندگی‌های متمدن امروزه نه‌تنها نظافت زندگانی متمدن مشکل است، بلکه لزوم نظافت به درجات لازم از آن موقعی است که مردم آزادانه بیرون زندگی می‌کردند و کم‌تر با هم مأنوس بودند. کارکردن در ادارات پُرجمعیت، مسافرت در ترن‌ها، ملاقات در اتاق جمعیتی، نشستن در تئاترها، و همیشه در وسط چهار دیوار بودن و زندگانی در جاهایی که جریان هوا کم است این مسائل ما را مجبور کرد که قوانین نظافت را تغییر

زنان، تجدد، و بهداشت نوین در آستانه تشکیل دولت مدرن؛ بررسی رویکرد مجله ... ۱۶۷

بدهیم (عالم نسوان ۱۲۹۹: س ۱۱، ش ۳، ۱۱۸-۱۲۹).

جلوه‌ای از این نگرش را در روزنامه دانش نیز می‌توان یافت. در یکی از شماره‌های این روزنامه ضرورت رعایت بهداشت فردی از جمله مراقبت از پوست دست و صورت و راه‌کارهای آن درج شده است (دانش ۱۳۲۸: س ۱، ش ۶).

پیش‌تر به تأکیدات نویسندگان مجله بر مطالبی هم‌چون ضرورت گرفتن تصدیق‌نامه سلامت از مردان برای ازدواج اشاره کردیم. همین موضوع نیازمند سطح بسیار زیادی از رفاه و آگاهی بود. افزون‌براین، در برخی مقالات این مجله به نکوهش برخی مدهای روز، چون پوشیدن کفش پاشنه‌بلند، پرداخته شده و هشدارهای پزشکی درباره آن مطرح شده است؛ که به نوعی موضوع بالابودن سطح رویکردهای مجله را پیش می‌کشد (عالم نسوان ۱۲۹۹: س ۶، ش ۶، ۱۳-۱۴).<sup>۱۳</sup> در جامعه زنان آن عصر نیازهایی از این دست برای قشر درخور توجهی سطح بالا به‌شمار می‌رفت. بدین ترتیب، سطح زنانی که نویسندگان مجله آنان را مخاطب قرار می‌دهند دایره تنگ و محدودی است. اما موضوع را می‌توان از این منظر بررسی کرد که زنانی از طبقه اشراف شهری، به‌منزله مخاطبان مجله، می‌توانستند به‌مثابه مرجع عمل کنند و دامنه تأثیرگذاری خود را بسط دهند.

## ۶. نتیجه‌گیری

گسست از طب سنتی و طرح نگرش‌های جدید به پزشکی و بهداشت یکی از ره‌آورد‌های تجدد و برخورد جامعه ایرانی عصر قاجار با غرب بود. نزد نویسندگان عالم نسوان بهداشت مدرن در جامعه زنان یکی از راه‌های گذار از سنت به تجدد بود. این نویسندگان با طرح مباحث انتقادی و آگاهی‌بخش به تسهیل این گذار کمک می‌کردند. نویسندگان مجله عالم نسوان، با درک ضرورت آگاهی‌بخشی اجتماعی و بسط مفهوم بهداشت نوین، کوشیدند علم‌گرایی و خرافه‌ستیزی، به‌منزله یکی از مشخصه‌های تجدد، را جای‌گزین نگرش سنتی به بهداشت کنند. در این زمینه، معرفی بیماری‌ها، به‌ویژه بیماری‌های مقاربتی (که مستلزم ورود به قلمروهای عموماً نامکشوف فرهنگ اجتماعی بود)، معرفی نشانه‌ها و شیوه شیوع این بیماری‌ها، چگونگی درمان و کم‌وکیف پیش‌گیری از آن‌ها، و نیز بسط مفهوم بهداشت به حوزه خصوصی و عمومی و تأکید بر ضرورت مراجعه به پزشک موضوعاتی است که در مجله عالم نسوان به آن‌ها تأکید ویژه‌ای شده است. بنابراین، در مجله بر دو مقوله درمان و پیش‌گیری به‌صورت تنگاتنگ در کنار رعایت بهداشت فردی و عمومی تأکید و تلاش شده

است تلقی رایج و سنتی از بیماری متحول شود. وانگهی، در این مجله، با معرفی بیماری‌ها و مسائل مرتبط با آن و نیز بایستگی عبور از اوهام و خرافات در امر بهداشت در جامعه زنانه، تلاش شده است، با ایجاد آگاهی، دایره شمول رعایت مسائل بهداشتی گسترده‌تر شود. البته، راه‌کارهایی که مجله برای مقابله با بیماری‌ها پیش‌نهاد می‌کرد غالباً مستلزم سطح بالایی از دانش و رفاه اقتصادی بود که طیف کم‌شماری از جامعه زنان را پوشش می‌داد. این واقعیت از یک منظر اجتماعی بیان‌گر آن است که در اواخر دوره قاجار و در دهه اول حکومت پهلوی طیفی هرچند کم‌شمار از زنان متجدد ظهور کرده بودند که از سواد و توان‌مندی اقتصادی کافی برای تبعیت از اصول و راه‌کارهای اجتماعی *عالم‌نسوان* برخوردار بودند. نویسندگان *عالم‌نسوان* کوشیدند، با معرفی دستاوردهای پزشکی جدید، مقوله بهداشت را از انحصار جهان اندرونی به عرصه عمومی بکشانند و به مسئله مهم اجتماع تبدیل کنند. با انتشار چنین روزنامه‌هایی، که مهم‌ترین وجه امتیاز آن‌ها نمایندگی یک نگرش و زبان زنانه بود، در جهان بهداشت سنتی رخنه افتاد و با نقد گزاره‌های مسلط آن تلاش شد راه‌گشایش افق‌های جدید هموار شود.

## پی‌نوشت‌ها

۱. مراد از تنانگی جسم زن در وجهی است که در تیررس نگاه بهداشت و پزشکی قرار می‌گیرد.
۲. بهزاد کریمی پیشینه‌ای دقیق و منقح از پژوهش درباره پزشکی در اثر خود آورده است، بنگرید به کریمی ۱۳۹۵: ۴۴-۵۴.
۳. برای آگاهی از این مقالات بنگرید به منظورالاجداد و قاسمی ۱۳۸۹؛ ۱۳۸۸؛ باقری و خواجه ۱۳۹۳: ۴۷-۸۲؛ باقری و کثیری ۱۳۹۱: ۱۱۱-۱۳۶؛ هاشمیان (۱۳۸۳)؛ رحمانیان و حاتمی ۱۳۹۳: ۶۱-۸۴.
۴. بنگرید به امیدپور، باستانی، و رجب‌لو ۱۳۹۲: ۵-۳۳؛ ترابی فارسانی ۱۳۹۵: ۶۹-۹۲.
۵. در زمینه آشنایی ایرانیان با پزشکی نوین و تحول دانش و گفتمان پزشکی در ایران عصر قاجار تحقیقات هرمز ابراهیم‌نژاد (Ebrahimmijad 2004: 31-36; Ebrahimmijad 1998: 69-95; Ebrahimmijad 2014: 15-86) اهمیت ویژه‌ای دارد. برای توصیف کنایی از مواجهه طبیبان دوره قاجار با دانش پزشکی نو بنگرید به موریه ۱۳۵۴: ۱۹۰-۲۰۷.
6. hygiene movement
۷. برای نمونه بنگرید به *عالم‌نسوان* ۱۲۹۹: س ۱، ش ۳، ۳۴-۳۵.



زنان، تجدد، و بهداشت نوین در آستانه تشکیل دولت مدرن؛ بررسی رویکرد مجله ... ۱۶۹

۸. این اطلاعات در مجله *بلدیه* (۱۵ دی ۱۳۰۶/۶ ژانویه ۱۹۲۸) درج شده است. در این جا از مقاله کاشانی ثابت گرفته شده است.

۹. نیز با همین مضمون، یعنی ضرورت گرفتن «تصدیق‌نامه» سلامت از مردان برای مقابله با بیماری‌های مقاربتی، مقاله‌ای در یکی دیگر از شماره‌ها آمده است. بنگرید به *عالم نسوان* ۱۲۹۹: س ۲، ش ۶، ۱۸-۲۰. هم‌چنین، در مقاله‌ای دیگر نیز ضرورت آگاهی از سلامت جسمی مرد برای جلوگیری از ابتلای زن به بیماری سیفلیس و استخوان‌درد اشاره شده است. و به تصویب قانونی در مصر اشاره شده که سن قانونی را شانزده سال قرار داده است. بنگرید به همان: س ۴، ش ۱، ۲۷-۲۹. در شماره‌ای دیگر نیز نویسنده‌ای چهار راه انتقال بیماری سیفلیس را برشمرده و سپس چهار راه مقابله با آن را پیش‌نهاد کرده است. نویسنده، ضمن این راه‌کارها، به زنان هشدار داده است که پیش از ازدواج از این موضوع اطمینان حاصل کنند. بنگرید به همان: س ۵، ش ۲، ۳۶-۳۸.

۱۰. هم‌چنین، مجله در مقاله دیگری به احتمال انتقال بیماری سوزاک و سیفلیس از مادر به کودک نیز اشاره کرده است. بنگرید به *عالم نسوان* ۱۲۹۹: س ۱، ش ۴، ۱۰-۱۱.

۱۱. هم‌چنین، یکی دیگر از مقالات مجله به ضرورت رعایت بهداشت با مراجعه به پزشک در طی دوره بارداری تأکید کرده است. بنگرید به *عالم نسوان* ۱۲۹۹: س ۴، ش ۴، ۱۱.

۱۲. البته، ضرورت پیش‌گیری از بیماری در روزنامه درباره بیماری‌هایی چون سرماخوردگی نیز در این روزنامه جلوه یافته است و نویسندگان تلاش کرده‌اند تا با برشمردن راه‌کارهای پیش‌گیری از این گونه بیماری‌ها هم جلوگیری کنند یا دست‌کم این آگاهی را منتقل کنند (*عالم نسوان* ۱۲۹۹: س ۷، ش ۱۱، ۴۰۱-۴۰۴).

۱۳. نیز درباره همین مسائل بنگرید به *عالم نسوان* ۱۲۹۹: س ۹، ش ۳، ۱۳۲-۱۳۴؛ همان: س ۲، ش ۱، ۲۴-۲۵. هم‌چنین، مقاله‌های فراوانی در این مجله وجود دارد که در آن‌ها بر ورزش و تغذیه مناسب تأکید شده است. بنگرید به همان: س ۱، ش ۱، ۷-۹؛ همان: س ۴، ش ۱، ۶-۸؛ همان: س ۴، ش ۵، ۳-۴؛ همان: س ۶، ش ۳، ۲۷.

## کتاب‌نامه

- آدمیت، فریدون (۱۳۷۸)، *امیرکبیر و ایران*، تهران: خوارزمی.
- آقاجری، سیدهاشم، بهرنگ صادقی، و بهزاد کریمی (۱۳۹۰)، «پزشکی مذهبی مسلمانان در سده‌های میانه، ریشه‌ها، و مبانی نظری»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، س ۳، ش ۱۰.
- اطلاعات (بی‌تا)*، س ۴، ش ۹۳۵.
- امیدی‌پور، زهره، سوسن باستانی، و علی رجبلو (۱۳۹۲)، «تحلیل رویکرد متجددانه زنان در دوره

- مشروطیت»، فصل‌نامه تاریخ اسلام و ایران، س ۲۳، دوره جدید، ش ۲۰.
- باقری، الهه و شهناز خواجه (۱۳۹۳)، «نکاتی درباب بهداشت و سلامت عمومی در نشریه شکوفه با تکیه بر سلامت مادر و کودک»، فصل‌نامه تاریخ پزشکی، ش ۲۰.
- باقری، الهه و مسعود کثیری (۱۳۹۱)، «انتشار نشریه دانش؛ گامی در جهت مدرنیزه‌شدن نگرش جامعه نسبت به سلامت عمومی»، فصل‌نامه تاریخ پزشکی، ش ۱۳.
- بیران، صدیقه (۱۳۸۱)، نشریات ویژه زنان و سیر تاریخی نشریات زنان در ایران معاصر، تهران: روشن‌گران و مطالعات زنان.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۹۵)، «زن و تحول گفتمان از خلال نشریه‌های زنان؛ از مشروطه تا پهلوی»، فصل‌نامه تاریخ اسلام و ایران، س ۲۶، دوره جدید، ش ۳۰.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران (۱۳۰۲)، س ۱، ش ۱.
- حاتمی، زهرا (۱۳۹۵)، تاریخ کودکی در ایران؛ از آغاز عصر ناصری تا پایان دوره رضاشاه، تهران: نگاه.
- دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه محمدعلی فره‌وشی، تهران: امیرکبیر.
- دانش (۱۳۲۸)، س ۱، ش ۶.
- ذاکرحسین، عبدالرحیم (۱۳۷۵)، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، تهران: دانشگاه تهران.
- رحمانیان، داریوش و آفرین توکلی (۱۳۸۹)، «بهداشت و سیاست در دوره رضاشاه (مطالعه موردی: قرنطینه جنوب)»، مطالعات تاریخ فرهنگی، س ۲، ش ۶.
- رحمانیان، داریوش و زهرا حاتمی (۱۳۹۳)، «کودکی و تجدد در دوره رضاشاه»، مطالعات تاریخ فرهنگی، س ۵، ش ۲۰.
- روستایی، محسن (۱۳۸۲)، تاریخ طب و طبابت در ایران؛ از عهد قاجاری تا پایان عصر رضاشاه به روایت اسناد، ج ۱، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- شکوفه (۱۳۳۳)، س ۳، ش ۴، ش ۶، ش ۱۲.
- صدر هاشمی، محمد (۱۳۶۴)، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان: کمال.
- عالم‌نسوان (۱۲۹۹)، س ۱، ش ۱، ش ۲، ش ۳، ش ۶.
- فلور، ویلم (۱۳۸۶)، سلامت مردم در ایران قاجاری، ترجمه ایرج نبی‌پور، بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر.
- کریمی، بهزاد (۱۳۹۵)، زنان در گفتمان پزشکی ایران با تکیه بر دوره صفویه، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- کریمی، بهزاد (۱۳۸۹)، «حفظ‌الصحة جدید، چند نکته درباب نوسازی نظام بهداشت و سلامت عمومی در عصر پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰)»، پیام بهارستان، ویژه تاریخ پزشکی، دوره دوم، س ۲.
- کریمی، بهزاد (۱۳۹۲)، «تاریخ‌نگاری پزشکی مسلمانان: بررسی مطالعات و تحقیقات»، تاریخ و تمدن

زنان، تجدد، و بهداشت نوین در آستانه تشکیل دولت مدرن؛ بررسی رویکرد مجله ... ۱۷۱

اسلامی، ش ۱۸.

کولیور رایس، کلارا (۱۳۸۳)، *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان*، تهران: کتاب‌دار.  
محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۰)، *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، به‌کوشش کریم اصفهانیان و جهانگیر قاجاریه، ج ۱ و ۳، تهران: دانشگاه تهران.  
منظورالاجداد، سیدمحمدحسین و رقیه قاسمی (۱۳۸۹)، «بیماری‌های عمومی در دوره پهلوی اول و اقدامات دولت برای مقابله با آن»، *پیام بهارستان*، ویژه تاریخ پزشکی، دوره دوم، س ۲.  
منظورالاجداد، سیدمحمدحسین و رقیه قاسمی (۱۳۸۸)، «وبا و اقدامات دولت پهلوی اول برای مقابله با شیوع آن (۱۳۰۴-۱۳۲۰)»، *فصل‌نامه تاریخ پزشکی*، س ۱، ش ۱.  
موریه، جیمز (۱۳۵۴)، *سرگذشت حاجی بابای اصفهانی*، ترجمه میرزا حبیب اصفهانی، به‌کوشش یوسف رحیم‌لو، تبریز: حقیقت.  
میلانی، عباس (۱۳۷۸)، *تجدید و تجدیدستیزی در ایران؛ مجموعه مقالات*، تهران: اختران.  
ناطق، هما (۱۳۷۵)، *کارنامه فرهنگی - فرنگی در ایران*، پاریس: خاوران.  
نوابی، عبدالحسین (۱۳۷۷)، *ایران و جهان*، ج ۲، تهران: هما.  
هاشمیان، احمد (۱۳۸۳)، «مجلس حافظ‌الصحی یا قدم‌های اولیه برای پایه‌گذاری وزارت بهداشت و درمان در ایران»، *تاریخ معاصر ایران*، ش ۳۱.

- Ebrahimnejad, Hormoz (2014), *Medicine in Iran, Profession, Practice and Politics 1800-1925*, Macmilan: Palgrave.
- Ebrahimnejad, Hormoz (2004), *Medicine, Public Health and the Qajar State, Patterns of Medical Modernization in Nineteenth Century Iran*, Leiden and Boston: Brill.
- Ebrahimnejad, Hormoz (1998), "Introduction de la Médecine Uropéenne en Iran au XIXe Siècle", *Science Sociales et Santé*, vol. 16, no. 4.
- Ebrahimnejad, Hormoz (2000), "Hallmarks of Humanism: Hygiene and love of Homeland in Qajar Iran", *The American Historical Review*, vol. 105, no. 4.
- Kashani-Sabet, Firoozeh (2006), "The Politics of Reproduction: Maternalism and Women's Hygiene in Iran 1896-1941", *Int. J. Middle East Stud.*, no. 38.
- Kashani-Sabet, Firoozeh (2000), "Hallmarks of Humanism: Hygiene and Love of Homeland in Qajar Iran", *The American Historical Review*, vol. 105, no. 4.
- Magner, Lois N. (2005), *A History of Medicine*, 2nd ed., Taylor and Francis Group.